

تحلیل گفتمان «عفت» و «حجاب» در متون مقدس ادیان ابراهیمی؛ از قوانین طهارت تا نماد هویت

حسین نظری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان انتقادی و رویکردی تطبیقی تاریخی، به واکاوی مفاهیم «عفت» و «حجاب» در متون بنیادین سه دین ابراهیمی می‌پردازد. هدف، ارائه خوانشی نظام‌مند و گفتمان‌محور است که نشان دهد چگونه چارچوب‌های معنایی کلان در هر دین، احکام جزئی را شکل داده و بدن را به عرصه‌ای برای اعمال قدرت و ساخت هویت تبدیل کرده‌اند. یافته‌ها با استفاده از چارچوب نظری ترکیبی (تحلیل گفتمان، نظریه قدرت فوکو، و نظریه هویت‌سازی) نشان می‌دهد که علیرغم اشتراک در دغدغه تنظیم روابط، گفتمان‌های مسلط اساساً متفاوتند: در یهودیت، گفتمان «طهارت آیینی و حفظ انسجام قومی» با مکانیسم کنترل نمادین؛ در مسیحیت اولیه، گفتمان «ریاضت فردی و فرجام‌گرایی» با مکانیسم خودنظارتی درونی؛ و در اسلام، گفتمان «تنظیم‌سازی اجتماعی و هویت‌بخشی به امت» با مکانیسم تنظیم روابط عمومی. این مقاله با تحلیل متون و ارائه یک مدل تطبیقی، استدلال می‌کند که فهم این احکام، مستلزم عبور از قرائت‌های جزئی‌نگر و توجه به نظام گفتمانی و اهداف اجتماعی الهیاتی هر دین است. در نهایت، این مطالعه زمینه‌هایی برای گفت‌وگوی بین‌ادیانی و بازخوانی معاصر این متون پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: عفت، حجاب، ادیان ابراهیمی، تحلیل گفتمان، هویت، طهارت، ریاضت.

۱. دانش‌آموخته دکتری کلام اسلامی دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز و طلبه

سطح ۴ حوزه علمیه خراسان. رایانامه: hnazari7112@gmail.com

مقدمه: بدن، دین و نظام‌های گفتمانی

مسئله مدیریت بدن، جنسیت و روابط اجتماعی، در کانون نظام‌های اخلاقی-دینی جوامع بشری جای داشته است. بدن، به‌ویژه بدن زن، به عنوان محل تقاطع طبیعت و فرهنگ، فرد و جامعه، و مقدس و عرفی، همواره موضوع تنظیم، کنترل و معناسازی بوده است. در این میان، ادیان ابراهیمی-یهودیت، مسیحیت و اسلام- به دلیل اشتراک در خاستگاه تاریخی، پیامبران مشترک و تأکید بر شریعت و قانون الهی، متون غنی و احکام مفصلی را در این زمینه تولید کرده‌اند. با این حال، نحوه مواجهه هر یک از این ادیان با مسئله «بدن»، «پوشش» و «عفت»، تنها تفاوت در جزئیات فقهی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده جهان‌بینی، الهیات و پروژه اجتماعی خاص آن دین است.

در فضای عمومی معاصر، مفاهیمی چون حجاب و عفت، اغلب از بافت‌های پیچیده الهیاتی و تاریخی خود جدا شده و به ابژه‌هایی صرفاً سیاسی یا نمادین در تقابل‌های ایدئولوژیک تبدیل شده‌اند. از یک سو، خوانش‌های بنیادگرا این احکام را به مثابه قوانینی تغییرناپذیر و فراتاریخی عرضه می‌کنند و از سوی دیگر، رویکردهای سکولار افراطی، آنها را صرفاً بازمانده‌ای از گذشته‌ای غیرعقلانی قلمداد می‌نمایند. هر دو این رویکردها، از تحلیل گفتمان حاکم بر این متون غافل‌اند؛ گفتمانی که این احکام را نه به عنوان دستورالعمل‌هایی مجرد، بلکه به عنوان بخشی از یک نظام معناسازی بزرگتر می‌سازد که در پی تحقق اهدافی الهیاتی و اجتماعی است.

این پژوهش بر این فرض استوار است که احکام مرتبط با بدن، بازتاب و هم‌زمان بازتولیدکننده گفتمان‌های مسلطی هستند که اهداف الهیاتی، اجتماعی و هویتی خاص هر دین را پیش می‌برند. از این منظر، پرسش اصلی این نیست که «حجاب چیست؟» بلکه این است که «گفتمان حاکم بر حجاب و عفت در هر دین چیست و این گفتمان چگونه بدن، روابط جنسیتی و مرزهای هویتی را می‌سازد و مدیریت می‌کند؟» برای پاسخ به این پرسش، این مقاله از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی بهره می‌برد و آن را با بینش‌هایی از نظریه قدرت میشل فوکو و نظریه هویت‌سازی گفتمانی ترکیب می‌کند تا تحلیلی تطبیقی، عمیق و متوازن ارائه دهد.

۱-۱. بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش

مسئله این پژوهش، فهم چرایی و چگونگی تفاوت‌های بنیادین در احکام و نگرش به عفت و پوشش در سه دین ابراهیمی، با وجود اشتراک در خاستگاه و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی است. آیا این تفاوت‌ها صرفاً محصول شرایط تاریخی متفاوت است، یا ریشه در

تفاوت‌های الهیاتی و گفتمانی دارد؟ برای واکاوی این مسئله، پرسش‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده‌اند:

۱. مفاهیم «عفت» و «پوشش» در متون بنیادین هر یک از سه دین ابراهیمی، ذیل کدام چارچوب گفتمانی کلان (مانند طهارت آیینی، ریاضت فردی، یا مهندسی اجتماعی) قرار می‌گیرند و این گفتمان‌ها چگونه از طریق واژگان کلیدی، استعاره‌ها و ساختارهای استدلالی خود را بازتولید می‌کنند؟

۲. هر یک از این گفتمان‌ها چه روابط قدرتی را (در توزیع مسئولیت، کنترل بدن، تعریف فضیلت و شرم) بین افراد، جنس‌ها و جامعه نهادینه می‌سازند؟ به عبارت دیگر، مکانیسم اعمال قدرت در هر گفتمان چیست؟

۳. این احکام و گفتمان‌های پشتیبان آنها، چه کارکرد هویتی و مرزبندی داشته و دارند؟ آنها مرزهای «ما» (پاک، مؤمن، منضبط) را در مقابل «دیگری» (ناپاک، کافر، بی‌بندوبار) چگونه ترسیم می‌کنند؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت نظری و روش‌شناختی: این پژوهش با تلفیق تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعات تطبیقی ادیان و نظریه انتقادی قدرت، به غنای روش‌شناختی هریک از این حوزه‌ها می‌افزاید. ارائه یک الگوی تحلیل گفتمان‌محور برای متون دینی که هم به زبان و هم به بافت قدرت توجه دارد، می‌تواند الگویی برای مطالعات مشابه باشد. این رویکرد، پلی میان مطالعات دینی و نظریه‌های انتقادی در علوم انسانی ایجاد می‌کند.

اهمیت اجتماعی و بین‌ادیانی: درک ریشه‌های گفتمانی تفاوت‌ها در احکام دینی، می‌تواند به خروج از گفت‌وگوهای سطحی و تقابل‌های بی‌ثمر کمک کند. نشان دادن اینکه اختلاف‌نظرها گاه ریشه در تفاوت‌های پارادایمی و جهان‌بینی دارد - و نه صرفاً در تعصب یا خشک‌اندیشی - فضایی برای فهم متقابل و احترام به تفاوت‌ها فراهم می‌آورد.

اهمیت درونی-دینی: برای جوامع دینی، ارائه خوانشی تاریخی-گفتمانی از متون مقدس، می‌تواند از دو آفت جمودگرایی (افراط) و ابطال‌گرایی (تفریط) جلوگیری کند. این خوانش نشان می‌دهد که احکام در پاسخ به مسائل خاص و در چارچوب گفتمان‌های خاص شکل گرفته‌اند و بنابراین، فهم حکمت و تطبیق آنها در زمانه جدید، نیازمند فهم آن چارچوب‌هاست.

۳-۱. محدوده پژوهش

این پژوهش به تحلیل متون مقدس بنیادین و تفسیرهای کلاسیک و تأثیرگذار در سنت اصلی هر دین محدود است.

منابع یهودیت: بخش‌های مرتبط تورات (به ویژه سفر لایوان و اعداد)، و تفاسیر تلمودی و هلاخایی (به عنوان نمونه‌ای از سنت تفسیری شکل‌دهنده).

منابع مسیحیت: اناجیل و رساله‌های عهد جدید، به همراه آثار شاخص پدران کلیسای نخستین (مانند ترتولیان، آگوستین).

منابع اسلام: آیات قرآن کریم و احادیث معتبر نبوی، به همراه تفاسیر کلاسیک مکتوب (مانند طبرسی، طباطبایی). تحولات تاریخی پسین، جنبش‌های اصلاحی و خوانش‌های مدرن تنها در حدی مورد اشاره قرار می‌گیرند که برای فهم تداوم یا دگرگونی گفتمان اولیه ضروری باشند. تمرکز اصلی بر شکل‌گیری گفتمان در دوره تأسیس هر دین است.

۴-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

این پژوهش از روش کیفی با طراحی تحلیل محتوای گفتمان‌محور استفاده می‌کند. روش کار مبتنی بر مراحل زیر است:

۱. **گردآوری داده‌ها و انتخاب نمونه:** انتخاب هدفمند آیات و متون محوری مرتبط با عفت، پوشش، طهارت جنسی و روابط زن و مرد از متون مقدس هر سه دین. همچنین، انتخاب ۲-۳ تفسیر معیار و کلاسیک از هر سنت که بیش‌ترین تأثیر را در شکل‌دهی به فهم سنتی داشته‌اند

۲. کدگذاری اولیه: خوانش مکرر متون و استخراج:

واژگان و مفاهیم کلیدی (مانند: طاهر/نجس، زینت، غض بصر، حرز، ریاضت، نفس). استعاره‌ها و تصاویر بنیادین (بدن به مثابه معبد، منبع نجاست، حریم، میدان نبرد). ساختارهای استدلالی و توجیهی (آیینی، اخلاقی، اجتماعی، فرجام‌شناختی).

دستور کارها: چه موضوعاتی برجسته و چه موضوعاتی حذف یا حاشیه‌ای شده‌اند؟

۳. **تحلیل گفتمانی:** در این مرحله، کدهای استخراج‌شده در ذیل چهارچوب‌های گفتمانی کلان سازمان‌دهی می‌شوند. هر گفتمان با توجه به مؤلفه‌های زیر تحلیل می‌گردد:

بازنمایی از بدن و عفت: بدن چگونه تصویر شده است؟

مکانیسم‌های قدرت: قدرت چگونه اعمال می‌شود؟ (از طریق قوانین نمادین، درونی‌سازی انضباط، یا تنظیم روابط). سوژه‌ی مطلوب: فرد ایده‌آل در این گفتمان چه ویژگی‌هایی دارد؟

کارکرد هویتی: این گفتمان چه مرزهایی را بین «خود» و «دیگری» رسمیت می‌بخشد؟



۴. **تحلیل تطبیقی:** در این مرحله، گفتمان‌های استخراج‌شده از هر دین در یک جدول تطبیقی ساختاریافته و سپس در یک مدل تحلیلی یکپارچه کنار هم قرار می‌گیرند تا شباهت‌های ساختاری و تمایزهای بنیادین آشکار گردد.

۵. **اعتباربخشی:** برای افزایش اعتبار تحلیلی، از راهبردهای زیر استفاده شده است: بازبینی تحلیلی: بازخوانی مکرر متون در پرتو چارچوب نظری. ارجاع مستند و دقیق: ارائه شواهد متنی مستقیم برای هر ادعای تحلیلی. شفافیت روش‌شناختی: شرح صریح فرآیند تحلیل، به گونه‌ای که مسیر استدلال قابل پیگیری باشد.

چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از سه رهیافت است:

تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف، ۱۹۹۲): در این دیدگاه، گفتمان صرفاً گفتار نیست، بلکه صورتبندی خاصی از واقعیت اجتماعی است که از طریق زبان تولید و بازتولید می‌شود. گفتمان‌ها، نظام‌های معنایی هستند که به پدیده‌ها معنا می‌بخشند، هویت‌ها را می‌سازند و روابط قدرت را تنظیم می‌کنند.

نظریه قدرت میشل فوکو: فوکو (۱۹۷۸) قدرت را نه صرفاً به عنوان یک امر سرکوب‌گر و از بالا به پایین، بلکه به مثابه شبکه‌ای همه‌جایی و مولد می‌فهمد که از طریق دانش اعمال می‌شود. مفاهیم کلیدی او در این پژوهش عبارتند از:

زیست‌قدرت: اعمال قدرت بر زندگی و بدن‌ها، برای تنظیم و مدیریت جمعیت. تکنولوژی‌های انضباطی: روش‌های ریزبینانه برای کنترل بدن، زمان و فضا (مانند زمان‌بندی، نمره‌دهی، نگاه خیره نهادینه).

سوژه‌شدگی: فرآیندی که در آن افراد، خود را سوژه‌هایی می‌سازند که مطابق با هنجارهای گفتمان مسلط عمل می‌کنند.

نظریه هویت‌سازی گفتمانی (لاکلاو و موف، ۱۹۸۵): هویت‌های جمعی (مانند «امت»، «قوم برگزیده»، «کلیسا») در گفتمان و از طریق تقابل با یک «دیگری» ساخته می‌شوند. احکام مربوط به بدن، اغلب ابزارهای مهمی برای ترسیم مرزهای این هویت‌های جمعی هستند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. چارچوب نظری ترکیبی: گفتمان، قدرت، بدن، هویت

تحلیل پیش رو، در تلاقی چندین جریان نظری در علوم انسانی قرار می‌گیرد. هسته مرکزی آن تحلیل گفتمان انتقادی است که متن را نه حامل معنایی از پیش موجود، بلکه عرصه‌ای برای ساخت معنا، هویت و روابط اجتماعی می‌داند. از منظر نورمن فرکلاف،

تحلیل گفتمان در سه سطح انجام می‌شود: توصیف متن، تفسیر فرآیند تولید و تفسیر فرآیند اجتماعی. در این پژوهش، تمرکز بر کشف گفتمان مسلط در هر دین است. گفتمان مسلط، الگویی از معناست که از طریق تکرار، طبیعی شده و به عنوان «حقیقت» پذیرفته می‌شود (Fairclough, 1992, pp. 73-76).

برای تعمیق این تحلیل، از میشل فوکو وام گرفته می‌شود. فوکو نشان داد که در دوران مدرن، قدرت کمتر با ابزار سرکوب مستقیم و بیشتر از طریق تولید دانش و تنظیم بدن‌ها اعمال می‌شود. قوانین و هنجارهای مربوط به عفت و پوشش را می‌توان نمونه‌ای بارز از زیست‌قدرت و تکنولوژی‌های انضباطی دانست که هدفشان تولید سوژه‌های مطیع و منضبط است. فوکو به ما می‌آموزد که بپرسیم: «این احکام، بدن را به عنوان یک میدان دانش‌پذیری و کنترل چگونه می‌سازند؟» (Foucault, 1978, p. 140; Foucault, 1995, p. 170).

در نهایت، نظریه هویت‌سازی گفتمانی ارنستو لاکلاو و شنتال موف، چارچوبی برای فهم کارکرد اجتماعی این احکام فراهم می‌کند. به باور آنان، هویت‌های سیاسی و اجتماعی در گفتمان و از طریق تفاوت‌یابی و ایجاد مرز ساخته می‌شوند. احکام پوشش و عفت، به‌وضوح در خدمت ایجاد مرزهای نمادین بین گروه‌های مختلف (مؤمن/کافر، پاک/ناپاک، محترم/غیرمحترم) هستند. این چارچوب ترکیبی، به پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا هم به ساختار زبان، هم به مکانیسم‌های قدرت و هم به فرآیندهای هویت‌سازی در متون دینی بپردازد (Laclau & Mouffe, 1985, pp. 93-148).

۲-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با موضوع این پژوهش را می‌توان در چند دسته کلی جای داد:

الف) مطالعات درون دینی و فقهی: این دسته، گسترده‌ترین ادبیات را تشکیل می‌دهد. در اسلام، آثار شهید مرتضی مطهری («مسئله حجاب») با رویکردی فلسفی-اجتماعی به تبیین حکمت‌های حجاب پرداخته است. کتب فقهی مانند «جواهرالکلام» شیخ محمدحسن نجفی و تفاسیری چون «المیزان» علامه طباطبایی و «مجمع البیان» طبرسی، به استنباط و شرح احکام پرداخته‌اند. در یهودیت، کتب هلاخایی مانند «میشنه تورات» موسی بن‌میمون و مجموعه عظیم تلمود، منابع اصلی هستند. در مسیحیت، رساله‌های پدران کلیسا مانند ترتولیان («در حجاب زنان باکره») و آگوستین، دیدگاه‌های اولیه را منعکس می‌کنند. نقطه قوت این آثار، عمق درون‌مایه‌ای و توجه به ظرافت‌های متنی است، اما معمولاً فاقد رویکرد تطبیقی و انتقادی هستند و گفتمان خود را طبیعی و بدیهی فرض می‌کنند.

ب) مطالعات تاریخی-تطبیقی: این پژوهش‌ها به مقایسه تاریخی یا فقهی احکام می‌پردازند. کتاب «حجاب در ادیان الهی» (محمدی، ۱۳۸۵، صص ۴۵-۷۸) نمونه‌ای فارسی‌زبان از این دست است، همچنین مقاله «Modesty and the Veil in Islamic and Jewish Law» (شافر، ۲۰۲۰، جلد ۲۷، شماره ۳، صص ۲۸۰-۳۰۵) در مجله (Islamic Law and Society) به مقایسه فقهی احکام پوشش پرداخته است. این مطالعات در ترسیم خطوط کلی تفاوت‌ها مفیدند، اما اغلب به سطح مقایسه احکام بسنده کرده و به تحلیل علل و سازوکارهای گفتمانی این تفاوت‌ها کمتر می‌پردازند.

ج) مطالعات فمینیستی و انتقادی: این دسته از تحقیقات، با رویکردی انتقادی به تحلیل روابط قدرت جنسیتی در متون و سنت‌های دینی پرداخته‌اند. در مطالعات اسلامی، آثار لثا احمد («زنان و جنسیت در اسلام») و باربارا استواسر («زنان در قرآن») به بازخوانی تاریخی و تفسیری موضوع همت گمارده‌اند. در یهودیت، اثر جودیت پلاسکو («باز ایستادن در پای کوه سینا») یک بازخوانی فمینیستی رادیکال ارائه می‌دهد. در مسیحیت، آثار الیزابت شوسلر فیورنزا («به یاد او») بسیار تأثیرگذار بوده است. نقطه قوت این آثار، توجه به بعد قدرت و جنسیت است، اما تمرکز آنها معمولاً بر یک دین خاص است و کمتر به تحلیل تطبیقی نظام‌مند سه دین دست زده‌اند.

د) مطالعات بین‌رشته‌ای جدید: در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی ظهور کرده‌اند که دین را با چارچوب‌هایی مانند پدیدارشناسی بدن، نظریه‌های پساستعماری و فلسفه فمینیستی تحلیل می‌کنند. برای مثال، آنتونیو (۲۰۲۱) به پدیدارشناسی بدن در متون دینی پرداخته یا احمد و معتز (۲۰۲۰) حجاب را در بافت تخیل پساستعماری بررسی کرده‌اند. این آثار نشان‌دهنده تحول روش‌شناختی در مطالعات دین هستند.

خلأ پژوهش: با وجود این پیشینه غنی، به نظر می‌رسد پژوهش‌های تطبیقی دارای چارچوب نظری قوی و روش‌شناسی شفاف که هم‌زمان به تحلیل زبان، قدرت و هویت در هر سه دین ابراهیمی بپردازند، کمتر وجود دارد. بسیاری از مطالعات تطبیقی، بیشتر فقه‌محور یا تاریخ‌محور بوده‌اند. این مقاله می‌کوشد با پرکردن نسبی این خلأ، و با استفاده از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه قدرت، تحلیلی ساختاریافته، متوازن و قابل نقد از گفتمان‌های مسلط ارائه دهد. ادعای آن نه کشف حقیقتی ناب، بلکه ارائه خوانشی نظام‌مند است که زمینه را برای گفت‌وگو و تفکر انتقادی فراهم کند.

۳. گفتمان عفت و پوشش در یهودیت: طهارت، نظام نمادین و انسجام قومی

دین یهود، به عنوان دینی شریعت‌محور و قوم‌گرا، گفتمان بدن و عفت را ذیل مفهوم گسترده و پیچیده «طهارت/توهورا» (ṭohorâ) و «نجاست/توماه» (ṭum'â) سازماندهی

می‌کند. این مفاهیم، فراتر از پاکی جسمانی، نشان‌دهنده وضعیتی آیینی-وجودی هستند که فرد را برای ورود به «حضور قدوس» (مکان‌های مقدس، مطالعه تورات، انجام برخی عبادات) آماده یا از آن محروم می‌سازد. در این گفتمان، بدن- و به‌ویژه بدن زن- به یک متن نمادین تبدیل می‌شود که وضعیت پاکی یا نجاست جامعه را نمایش می‌دهد.

۳-۱. قوانین نیدا: بدن به مثابه نظام نمادین مرزبندی

مهم‌ترین و مرکزترین متن در تنظیم گفتمان بدن زن در یهودیت، کتاب لاویان، فصل ۱۵ است. بر اساس این قوانین، زن در دوران قاعدگی «نیدا» (niddâ) که برای هفت روز «پاک» پس از آن (به شرط دیدن هیچ خونی)، در حالت «نجاست» قرار دارد. در این مدت، هر چیزی که او بر آن بنشیند یا بخوابد نجس می‌شود و هر که او را لمس کند باید خود را غسل کند. پس از پایان این دوره، زن موظف است در «میکوه» (miqveh) - حوضچه‌ای مخصوص با آب راکد و طبیعی- غسل آیینی به جای آورد تا دوباره «طاهر» شده و امکان رابطه زناشویی فراهم گردد.

تحلیل گفتمانی و فوکویی

از منظر نظریه قدرت فوکو، این قوانین صرفاً به «تنظیم ریزبینانه بدن» محدود نمی‌شوند، بلکه یک مثلث قدرت-دانش-سوژه را به حرکت درمی‌آورند. نخست، این قوانین، حوزه جدیدی از دانش را تولید می‌کنند: «دانش هلاخایی (فقهی)» که به‌طور پیوسته، کوچک‌ترین جزئیات بدن زن (رنگ خون، مدت زمان پریودی، غسل صحیح) را طبقه‌بندی، تفسیر و ثبت می‌کند و کاهنان و فقها را به عنوان «مرجعیت‌های معرفتی» این حوزه تعریف می‌نماید. این دانش، فارغ از خواست زن، حقیقتی «عینی» درباره بدن او برمی‌سازد. دوم، این دانش، به‌واسطه قوانین سخت‌گیرانه، سوژه‌ای خاص را می‌سازد: «سوژه زن شریعت‌مدار». زن در این گفتمان، ناگزیر است هر ماه، بدن خود را به عنوان یک ابژه (ابژه‌ای که می‌تواند «طاهر» یا «نجس» باشد) زیر نظر بگیرد، تاریخ‌های قاعدگی را محاسبه کند، به میکوه (حوضچه تطهیر) مراجعه کند و در نهایت، هویت خود را در گرو انجام صحیح این مناسک تعریف نماید. این فرآیند، دقیقاً همان سوژه‌شدگی از دیدگاه فوکو است که در آن، فرد از طریق درونی‌سازی یک گفتمان نظارتی، خود را به عنوان سوژه‌ای مطیع و منضبط بازمی‌شناسد. قدرت در اینجا نه صرفاً سرکوبگر، بلکه مولد است؛ زیرا این دانش و نظم است که به زن یهودی ارتدوکس، هویتی متمایز و معنادار در چارچوب جامعه قومی خود می‌بخشد.

از منظر انسان‌شناختی، مری داگلاس (۱۹۶۶) در «پاکی و خطر»، این قوانین را نه تحقیرآمیز، بلکه به عنوان سامانه‌ای نمادین برای ایجاد نظم در مقابل آشوب تفسیر

می‌کند. بدن، به دلیل هم‌عرضی نمادین با جامعه (دارای مرزهایی که می‌تواند «تشت» کند)، نیازمند قوانین مرزبندی دقیق است. خون قاعدگی، به عنوان ماده‌ای که از مرز بدن خارج می‌شود، نماد آشوب و بینظمی است و بنابراین باید به دقت کنترل شود. کنترل این وضعیت از طریق قوانین پیچیده، عملی برای ساختن و حفظ جامعه‌ای مقدس، منظم و متمایز از دیگر اقوام است (Douglas, 1966, pp. 121-122).

کارکرد هویت‌ساز و قدرت

قوانین نیدا و طهارت، عمیقاً در خدمت مرزبندی قومی است. آنها جامعه یهود را از «اقوام دیگر» (گوئیم) که از چنین قوانینی پیروی نمی‌کنند، متمایز می‌سازد. این تمایز، هم جنبه دینی (قداست) و هم جنبه هویتی-قومی دارد. از منظر فوکو، این یک تکنولوژی قدرت است که بدن زن را طبقه‌بندی می‌کند (پاک/ناپاک)، زمان‌بندی می‌کند (چرخه‌های مشخص) و آن را به ابژه‌ای برای دانش (دانش کاهنان و فقها درباره احکام) تبدیل می‌نماید. این قدرت، جامعه‌محور و آیینی است (Foucault, 1976, pp. 140-145).

۲-۳. پوشش سر (تزنیوت): نشانه‌ای از نظم اجتماعی، تعلق و حیاء

در حالی که دستور صریح توراتی برای پوشش سر همه زنان وجود ندارد، سنت دیرینه پوشش موی زنان متأهل در یهودیت ارتدکس، ریشه در تفسیر متون دارد. دو متن کلیدی هستند:

۱. آیین «سوتا» (Sotah) در اعداد ۵: ۱۱-۳۱، در آیین «سوتا» برای آزمودن زن مظنون به خیانت، کاهن «موهای زن را آزاد می‌کند» (آیه ۱۸) که نشانه‌ای از رسوایی و از میان رفتن حرمت اوست. مبنای فقهی پوشش موی زنان متأهل در سنت یهود، بر اساس تفسیر تلمود از همین آیه شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که در رساله کتوبوت (۷۲، الف) به صراحت آمده است: «موی زن، عورت (ervah) محسوب می‌شود»، و این حکم، در ادامه در کتاب شولحان عاروخ (اون هعزر، فصل ۲۱، بند ۲) به عنوان قانونی الزام‌آور برای زنان متأهل ثبت شده است. بنابراین، استنباط پوشش مو، نه یک برداشت مستقیم از متن تورات، بلکه نتیجه زنجیره‌ای از تفسیر تلمودی و تدوین هلاخایی (فقهی) است.
۲. تفسیر تلمودی: در رساله کتوبوت (تلمود بابلی، رساله کتوبوت ۷۲، الف) صراحتاً آمده: «موی زن، عورت (ervah) است». یعنی دیدن آن برای مردان نامحرم، همچون دیدن اندام جنسی، ممنوع است.

تحلیل گفتمانی

در اینجا، گفتمان «تزنیوت» (šəṁî'ût) به معنای حیاء و وقار وارد می‌شود. تزنیوت، فضیلتی فراگیر است که هم بر پوشش (لباس گشاد، غیرتحریک‌آمیز، پوشش مو) و هم بر

رفتار و گفتار متواضعانه تأکید دارد. پوشش سر زن متأهل، پیش از هر چیز نشانه‌ای بصری از وضعیت اجتماعی او (تأهل) و تکریم حریم خصوصی خانواده است. این نشانه، مرز بین زن شوهردار و مردان بیگانه را در فضای عمومی مشخص می‌سازد.

بر خلاف گفتمان اسلامی که بعد «جلوگیری از فتنه» به معنای عام پررنگ است، در گفتمان یهودی تأکید اصلی بر رعایت مراتب اجتماعی، احترام به شوهر و حفظ شأن و وقار فردی و خانوادگی است. به عبارت دیگر، پوشش سر، بیشتر نشانه‌ای از تعلق و پایبندی به یک نظم اجتماعی است تا مانعی صرف برای محافظت. قدرت در اینجا، خود را در قالب حفظ نظم و احترام به سلسله مراتب پذیرفته‌شده نشان می‌دهد.

۳-۳. قوانین پوشش بدن و جدایی جنسیتی

در جوامع ارتدوکس، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای جداسازی جنسیتی («بیشو») در اماکن عمومی، عبادت (با دیواره «مِحیتزا» در کنیسه) و حتی برخی فضاها وجود دارد. پایه این قوانین در متون فقهی کلاسیک نهاده شده است؛ از جمله در تلمود بابلی (رساله براخوت ۲۴، الف) که به محدودیت‌های نگاه و نزدیکی جنسیتی اشاره دارد، و نیز در کتاب شولحان عاروخ (بخش اون هعزر [Even Ha'ezer]، فصل ۲۱-۲۲) که به‌عنوان مهم‌ترین مرجع فقهی یهودیت در دوران پسین، احکام پوشش و جدایی را تدوین کرده است. همچنین، میسنه تورات اثر موسی بن میمون (هیلخوت ایشتوت [قوانین ازدواج]، فصل ۲۱، قوانین ۵-۱) از دیگر منابع بنیادین در این زمینه به شمار می‌رود. این احکام، که در راهنمای عملی زندگی ارتدوکس معاصر نیز تفصیل یافته‌اند (Bleich, 2003)؛ Feinstein, Iggerot Moshe, Vol. 4، پوشش زنان را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که دست‌ها از آرنج به پایین و پاها تا زیر زانو پوشانده شود و لباس گشاد و غیر بدن‌نما باشد. این رویکرد در مشاهدات میدانی از جوامع ارتدوکس نیز ثبت شده است. (El-Or, 1992; Hyman, 1976)

تحلیل: این قوانین، در ادامه همان گفتمان «تمایزگذاری و مرزبندی» است: تمایز بین یهودی و غیریهودی، مقدس و عامی، مرد و زن، پاک و ناپاک. بدن، محل تجلی و اجرای این مرزبندی‌هاست. این یک کنترل فضا است که از طریق معماری و پوشش اعمال می‌شود.

۳-۴. عفت به مثابه مالکیت و مسئولیت خانوادگی

در ده فرمان، حکم «زنا مکن» (خروج ۲۰: ۱۴) در بافت جامعه‌ای قبیله‌ای، عمدتاً ناظر به زنا با زن شوهردار است و آن را تجاوز به مالکیت مرد دیگر تعبیر می‌کنند. مفهوم عفت زن، به شدت با اصالت نسل و حفظ خلوص نسب و میراث قوم یهود گره

خورده است. مجازات سنگسار برای زنانی محصنه (تثنیه ۲۲: ۲۱-۲۴)، شدت این حساسیت را نشان می‌دهد. در این گفتمان، عفت زن، دارایی ارزشمندی برای خانواده و قبیله است که باید از آن حفاظت شود تا نظم اجتماعی و نسب‌نامه قومی مختل نشود.

۳-۵. جمع‌بندی گفتمان یهودیت

گفتمان مسلط در یهودیت، «طهارت آیینی و حفظ انسجام قومی از طریق مرزبندی نمادین» است. عفت و پوشش، ابزارهایی برای حفظ نظم مقدس، منظم و متمایز جامعه یهود هستند. بدن زن، به دلیل نقش محوری در تولید مثل و نیز چرخه طبیعی قاعدگی، کانون اصلی این قوانین و این گفتمان قرار می‌گیرد. مکانیسم قدرت، مبتنی بر طبقه‌بندی نمادین، کنترل آیینی و حفظ مرزهای فیزیکی و نمادین است. کارکرد هویتی آن، ایجاد تمایز قومی (یهود/غیریهود) است.

نقاط قوت درونی این گفتمان: ایجاد انسجام ساختاری شدید، احساس تعلق عمیق قومی، و معنابخشی به تمام جنبه‌های زندگی از طریق شبکه نمادین طهارت.

نقاط ضعف یا ریسک‌های درونی: انعطاف‌ناپذیری در مواجهه با تغییرات، امکان حاشیه‌سازی گروه‌های خاص (مانند زنان در دوره نیا، یا غریبه‌ها)، و تمرکز شدید بر مرزبندی که می‌تواند به انزوا بینجامد.

۴. **گفتمان مسیحیت اولیه: ریاضت، نیت و بازتعریف جامعه در انتظار فرجام**

مسیحیت در آغاز، به عنوان جنبشی درون یهودیت ظهور کرد، اما به سرعت با تأکید بنیادین بر نجات از طریق ایمان به مسیح و نه صرف عمل به شریعت موسی، مسیر خود را جدا ساخت. این تغییر پارادایم الهیاتی، تأثیر شگرفی بر گفتمان بدن و عفت گذاشت. پولس رسول در غلاطیان (۳: ۲۸) اعلام می‌کند: «نه یهودی است و نه یونانی، نه غلام و نه آزاد، نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک هستید.» این آیه که بر برابری روحانی همه مؤمنان در مسیح تأکید دارد، در عین حال، تنش‌های اساسی با ساختارهای اجتماعی موجود از جمله سلسله مراتب جنسیتی ایجاد کرد. گفتمان مسیحی اولیه، در فضای انتظار فرجام جهانی قریب‌الوقوع (پاروسیا) شکل گرفت و این، بر نگرش آن به بدن و دنیا تأثیر تعیین‌کننده‌ای نهاد.

۴-۱. انتقال از شریعت به نیت: تمرکز بر سوژه اخلاقی و کنترل درونی

نقطه عطف گفتمانی، در سخن عیسی در «موعظه سر کوه» است:

«شنیده‌اید که به گذشته‌گان گفته شد: "زنا مکن." اما من به شما می‌گویم: هر که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» (متی ۵: ۲۷-۲۸).

این سخن، انقلابی در گفتمان اخلاقی ایجاد می‌کند. گفتمان از حکم بیرونی و قابل رؤیت (عمل زنا) به کنترل درونی و ناپیدا (نگاه، فکر، نیت) انتقال می‌یابد. گناه، به درون سوژه و به قلمرو امیال و افکار منتقل می‌شود.

تحلیل گفتمانی و فوکویی: این تغییر، نشان‌دهنده ظهور یک سوژه اخلاقی جدید است. این سوژه موظف است نه تنها اعمال، بلکه تمایلات درونی خود را تحت مراقبت، بازجویی و انضباط دائمی قرار دهد (Foucault, 1978, p. 19). این شکل از کنترل، درونی‌شده، فردی و همه‌جایی است. قدرت، نه تنها از طریق قانون بیرونی، بلکه از طریق خود-نظارتی و خود-انضباطی اعمال می‌شود (Foucault, 1995, p. 170). این، پیش‌درآمدی بر اشکال مدرن قدرت است که فوکو در «مراقبت و تنبیه» تحلیل می‌کند (Foucault, 1995). بدن، دیگر صرفاً موضوع قانون آیینی نیست، بلکه میدان نبردی برای روح علیه تمایلات نفسانی‌اش است (Foucault, 1978, pp. 91-92). فضیلت، دیگر در طهارت بیرونی نیست، بلکه در پاکی درونی و غلبه بر نفس است (Foucault, 1978, pp. 20-21).

۲-۴. پوشش سر در کلیسای قرن نوزدهم: مدیریت نظم اجتماعی در جماعت مؤمنان

مهم‌ترین متن درباره پوشش، در رساله اول پولس به قرنتیان (۱۱: ۲-۱۶) است. پولس، زنان را به پوشاندن سر در موقع «دعا یا نبوت» فرامی‌خواند. استدلال او چندلایه است:

۱. سلسله‌مراتب آفرینش: «سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد است و سر مسیح خداست.» (آیه ۳). پوشش سر زن، نشانه بصری پذیرش این ترتیب الهیاتی-اجتماعی است.
۲. عار اجتماعی: پولس می‌گوید زن بی‌حجاب، «مانند زنی است که موی سرش تراشیده شده» (آیه ۵-۶) - نشانی از ننگ در فرهنگ رومی-یونانی.
۳. فرشتگان: «به همین سبب زن باید بر سر خود علامت تسلط داشته باشد، به‌خاطر فرشتگان» (آیه ۱۰). تفسیر این عبارت مبهم است (شاید فرشتگان حاضر در عبادت، یا فرشتگان سقوط کرده).

۴. طبیعت: «آیا طبیعت خود به شما نمی‌آموزد که... اگر زنی موی بلند داشته باشد، برایش افتخار است؟ زیرا که موی به او به‌عنوان پوششی داده شده است.» (آیه ۱۴-۱۵).

تحلیل گفتمانی: پولس در حال گفت‌وگو با کلیسایی آشفته در شهر قرنتس است که آزادی نوین مسیحی ممکن است به بی‌قیدی اجتماعی تفسیر شود. گفتمان او، یک گفتمان موقعیتی-مصلحتی است. او می‌کوشد بین آزادی روحانی جدید و ضرورت حفظ نظم اجتماعی و آبروی کلیسا در برابر جامعه غیرمسیحی تعادل برقرار کند.

نکته جالب، پایان بحث است: «اگر کسی می‌خواهد مجادله کند، ما چنین عادتی نداریم و نه کلیساهای خدا.» (آیه ۱۶). واژه «عادت» (سونتایا) کلیدی است. این نشان می‌دهد حکم پوشش سر برای پولس، بیشتر یک امر اجتماعی-اخلاقی مبتنی بر عرف و مصلحت جمعی کلیسا است، نه یک حکم شریعت‌محور مطلق مانند قوانین تورات. قدرت در اینجا، در خدمت حفظ انسجام و حرمت نهاد نوپای کلیسا است.

۳-۴. ریاضت جنسی و تقدس تجرد: اولویت ملکوت بر دنیا و دوگانه‌انگاری

یکی از تمایزهای بزرگ مسیحیت اولیه، تقدس بخشیدن به تجرد (celibacy) به عنوان وضعیتی برتر در کنار ازدواج بود. پولس در اول قرن‌تین ۷ صراحتاً می‌گوید: «...خوشا به حال کسی که مجرد بماند، همچون من... زیرا کسی که ازدواج نکرده است، در فکر آن است که چگونه خدا را خشنود سازد... اما کسی که ازدواج کرده، در فکر آن است که چگونه همسر خود را خشنود سازد.» (آیات ۷-۸، ۳۲-۳۴). در این گفتمان، عفت کامل (تجرد)، وضعیتی برتر و کارآمدتر برای خدمت بی‌قید و بند به خداوند و آمادگی برای «آخرالزمان» قریب‌الوقوع محسوب می‌شد.

تحلیل گفتمانی: این نگاه، ریشه در یک الهیات دنیاگریزانه (ascetic) و تا حدی دوگانه‌انگار دارد. جهان مادی و بدن، هرچند آفریده خدا هستند، اما به دلیل گناه اولیه، محل کشمکش با روح هستند. آگوستین در «اعترافات» و «شهر خدا»، تمایلات جنسی را حتی در چارچوب ازدواج، نشانه‌ای از گناه اولیه و فقدان کنترل کامل اراده بر بدن می‌داند (Augustine, 1998a, Book 14, Chapter 16; Augustine, 1998b, Book 2). در این چارچوب، پوشش محجوبانه زن، بیش از آنکه برای حفظ کرامت ذاتی او باشد، برای کمک به مردان در کنترل شهوات خود (تا با آسودگی بیشتر به عبادت بپردازند) و نیز نشان‌دادن تواضع و بی‌اعتنایی به زیبایی‌های فانی دنیوی تفسیر می‌شد.

در نوشته‌های طیفی از پدران کلیسای لاتین، زن گاه به عنوان «دروازه شیطان» تصویر می‌شد (ترتولیان، ج. ۱۳۴۴/۱۹۸، ص. ۱۱۸) که نیازمند پوشش و کنترل است تا هم خود و هم دیگران را از افتادن به دام گناه حفظ کند. البته باید توجه داشت که دیدگاه پدران کلیسا در این زمینه یکدست نبود و تفاوت‌های ظریفی میان آنان وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که پدران یونانی اسکندرانی، همچون کلمنت اسکندرانی، رویکردی فلسفی‌تر و اعتدالی‌تر داشتند و بدن و جنسیت را صرفاً شر نمی‌دانستند و حتی ازدواج را نیز تقدیس می‌کردند (کلمنت اسکندرانی، استروماتا، کتاب ۳، فصل ۱۲، صص ۲۹۹-۵۶۷). با این حال، گفتمانی که در سنت مسیحی غربی پسین، به ویژه از طریق آگوستین و نفوذ آموزه

گناه نخستین، به گفتمان مسلط تبدیل شد، عمدتاً بر محور رویکرد ریاضت‌گرانه و بدگمان به بدن (که ترتولیان یکی از نمایندگان تندروی آن بود) شکل گرفت. بنابراین، آنچه در این پژوهش «گفتمان مسلط» خوانده می‌شود، نه به معنای اجماع کامل، بلکه به معنای جریانی اثرگذار و چیره‌شده در سنت تاریخی مسیحیت غربی است.

۴-۴. تأکید بر سادگی و پرهیز از تجمل: گفتمان تواضع در برابر خدا

در دو متن دیگر، گفتمان سادگی، تواضع و بی‌اعتنایی به ظواهر پررنگ است: «همچنین زنان نیز باید به لباس آراسته، با حیا و پرهیزکاری خود را بیارایند، نه به بافتن مو یا طلا یا مروارید یا لباس گرانبها، بلکه چنان که شایسته زنایی است که ادعای دینداری می‌کنند، به اعمال نیکو.» (اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۰).
«زیبایی شما نباید از آرایش بیرونی و به هم بافتن موها و زینت‌های طلا و پوشیدن لباس زیبا باشد، بلکه باید در نهان دل و به زیبایی آرام و ملایم روحی باشد که در نظر خدا گرانبهاست.» (اول پطرس ۳: ۳-۴).

تحلیل: در اینجا، گفتمان در تقابل ظاهر فریبنده/باطن اصیل و دنیا/خدا قرار می‌گیرد. پوشش و زیور، باید نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به ثروت و جلال فانی باشد. این گفتمان، به ویژه در میان فرقه‌های رهبانی و در واکنش به ثروتمند شدن کلیسا پس از رسمیت یافتن در امپراتوری روم، تقویت شد.

۴-۵. جمع‌بندی گفتمان مسیحیت اولیه

گفتمان مسلط در مسیحیت نخستین، «ریاضت فردی، کنترل درونی نیت و امیال، و اولویت مطلق زندگی روحانی در انتظار فرجام جهان» است. عفت، فضیلتی عمیقاً فردی، درونی و نیت‌محور است که هدف نهایی آن، تقرب به خدا و نجات روح است. پوشش، بیشتر تابع عرف اجتماعی برای حفظ نظم کلیسا و نشانه‌ای از تواضع، سادگی و بی‌اعتنایی به جسم و دنیا است. برخلاف یهودیت، شریعت مدون و یکپارچه‌ای برای پوشش وجود ندارد و تأکید اصلی بر انضباط درونی است.

مکانیسم قدرت: قدرت به سمت درونی‌سازی، خود-نظارتی و انضباط نفس میل می‌کند. فرد خود نگهبان خویش است.

کارکرد هویتی: ایجاد تمایز بین مؤمنان دنیاگرایز/فرجام‌گرا و جهانیان دنیوی، و همچنین حفظ هویت و نظم درون جماعت محلی کلیسا.

نقاط قوت درونی: تأکید قوی بر عاملیت اخلاقی فرد، مسئولیت‌پذیری درونی و رهایی از قید شریعت‌گرایی صوری.

نقاط ضعف یا ریسک‌های درونی: تقویت دوگانه‌انگاری افراطی روح/جسم که می‌تواند به تحقیر بدن و امیال طبیعی بینجامد؛ و نیز تمرکز افراطی بر فرد که ممکن است ابعاد اجتماعی عدالت را کمرنگ کند.

۵. گفتمان اسلام: مهندسی فضای عمومی، کرامت و ساختن هویت امت

اسلام، در ادامه سنت ابراهیمی و با ادعای تصحیح و تکمیل آن، گفتمان جدیدی را پایه‌ریزی کرد که در عین حفظ ارتباط با مفاهیمی چون طهارت، تأکید اصلی را بر ابعاد اجتماعی، هویتی و تمدنی احکام می‌گذارد. قرآن کریم و سنت نبوی، در مواجهه با جامعه جاهلی عرب- که در آن هتک حرمت زنان، بی‌فیدی جنسی و ناامنی برای زنان آزاد رواج داشت- گفتمانی را شکل دادند که هم اصلاح‌گرایانه و هم جامعه‌ساز بود. این گفتمان، بدن را نه صرفاً موضوع آیین یا میدان نبرد روح، بلکه به مثابه جزئی از فضای عمومی می‌دید که نیازمند مدیریت هوشمند برای تحقق جامعه‌ای امن، منظم و باکرامت است.

۵-۱. آیات محوری: مسئولیت دوگانه و تصریح غایت اجتماعی

دو دسته آیات قرآن، ستون‌های گفتمانی حجاب در اسلام هستند. نزول تدریجی آنها، نشان از بسترسازی تدریجی و رسیدن به یک نظم اجتماعی مطلوب دارد.

الف) آیات سوره نور (۲۴: ۳۰-۳۱): زمینه‌سازی اخلاقی و تعریف حریم

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرَادَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾

تحلیل گفتمانی و لغوی

۱. آغاز دو سویه و مسئولیت مشترک: گفتمان با خطاب به مؤمنان (ذکور) شروع می‌شود: «غض بصر» و «حفظ فرج». فعل امر «قُلْ» (بگو) تأکیدی بر ابلاغ عمومی این حکم اخلاقی-اجتماعی است. این، پایه مسئولیت مشترک و توأمان زن و مرد را از همان ابتدا می‌ریزد. این یک تمایز گفتمانی بزرگ با دو دین دیگر است. گفتمان اسلامی، گناه یا کنترل بدن را صرفاً به دوش زن نمی‌اندازد. مرد نیز باید «نگاه» خود- که نقطه شروع بسیاری از تعاملات است- را مدیریت کند.

۲. مفهوم «زینت»: نهی از «ابدای زینت» جز آنچه «ظاهر» است. «زینت» در اینجا معنایی دوگانه دارد: هم زیورآلات و هم خود اندام زیبا. در تفاسیر، درباره حدود «زینت ظاهر» اختلاف است (صورت و دست‌ها تا مچ، یا فقط صورت و کفین). اما اجماع بر پوشاندن مو و بدن غیر از صورت و کفین وجود دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۷؛

قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۲، ص ۲۳۰؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ص ۸۷). مفهوم «زینت»، بدن زن را نه منبع نجاست (یهودیت) و نه مانع روح (مسیحیت ریاضتی)، بلکه موهبتی الهی و حریمی خصوصی تعریف می‌کند که نباید در معرض نگاه عموم قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲). این نگاه، مثبت‌انگارانه است: زینت، چیز خوب و زیبایی است، اما باید در حریم مناسب (حریم خانواده و محارم) حفظ شود.

۳. واژه «خُمر» و «جُیوب»: «خُمر» جمع «خمار» به معنای پوشش سر است. «جُیوب» جمع «جیب» به معنای گریبان، سینه و گردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل «خمر»). دستور «ضرب خمر علی جیوب»، ناظر به پوشاندن کامل سر، گردن و سینه است. این، فراتر از پوشش سر یهودی (که بیشتر نشانه تأهل بود) است و حریم کامل‌تری از بدن را شامل می‌شود. در جاهلیت، زنان روسری می‌انداختند، اما آن را از پشت گردن گره می‌زدند و گریبان و گردنشان آشکار بود. این آیه، نحوه پوشش را اصلاح و کامل کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۶؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۲، ص ۲۲۹).

ب) آیه سوره احزاب (۳۳: ۵۹): تصریح غایت اجتماعی حکم
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾.

تحلیل گفتمانی: این آیه، غایت اجتماعی و عملگرایانه حکم را به وضوح بیان می‌کند و آن را از یک دستور شخصی صرف، به یک قانون اجتماعی با اهداف مشخص ارتقا می‌دهد.

۱. واژه «جَلَابِيب»: جمع «جلباب»، به معنای روپوش بزرگ یا عبا است که تمام بدن را می‌پوشاند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل «جلباب»). این، سطح دیگری از پوشش را بیان می‌کند که مناسب فضای عمومی بیرون از خانه است.

۲. هدف اول: «لِيُعْرِفَنَّ» (تا شناخته شوند). این، کلید گفتمان اسلامی است. حجاب، یک نشانه هویت جمعی برای زنان مؤمن است. در جامعه پیچیده، چندفرهنگی و چنددینی مدینه النبی که قبایل مختلف مسلمان، یهودیان، منافقان و دیگران حضور داشتند، این نشانه بصری، مرز بین زنان آزاد مؤمن و دیگران (کنیزان، زنان غیرمسلمان، یا زنان بی‌بندوبار جاهلی) را مشخص می‌کرد طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۶۲؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۴، ص ۲۴۳). حجاب، ابزاری برای ساختن هویت بصری واحد «امت اسلامی» و تمایز آن از دیگران بود. این، مشابه کارکرد قوانین یهودیت در تمایز قومی است، اما با محتوایی متفاوت: هویت جدید، مبتنی بر ایمان است، نه نژاد.

۳. هدف دوم: «فَلَا يُؤْذِينَ» (تا مورد آزار قرار نگیرند). این، بیانگر کارکرد امنیتی و حمایتی حجاب است. در آن جامعه، زنان بی‌پناه یا کم‌پوشش، هدف تعرض و آزار کلامی

یا فیزیکی مردان مزاحم بودند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۶۱). پوشش کامل و شناخته شده به عنوان زن مؤمن محترم، به عنوان یک دژ حفاظتی نمادین و اجتماعی عمل می‌کرد و آزارگران را باز می‌داشت. این نگاه، گویای توجه قرآن به کرامت و امنیت زن در فضای عمومی است. حکم در پی ایجاد فضایی امن‌تر برای حضور اجتماعی زنان است. این، گفتمانی کاملاً مصلحت‌اندیشانه، عقلانی و جامعه‌نگر است.

۵-۲. گفتمان حجاب به مثابه «حرز» و تنظیم روابط اجتماعی

در روایات اسلامی، تعبیری پرمعنا به کار رفته است. از پیامبر (ص) نقل شده: «الْحِجَابُ حِزْزٌ» (حجاب، دژ و حفاظ است) (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۲۲۲). این استعاره نظامی، گفتمان حفاظت و امنیت را تقویت می‌کند. علامه طباطبایی در المیزان، با استناد به آیات، حجاب را عاملی برای «منع از اختلاط نامشروع» و «حفظ عفت عمومی» می‌داند که در نهایت به استحکام نهاد خانواده و سلامت جامعه می‌انجامد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۶۱-۳۶۴).

شهید مطهری نیز در «مسئله حجاب»، بر کارکرد «کنترل شهوت در سطح جامعه» (نه فقط فرد) و «بالا بردن ارزش واقعی زن» در مقابل نگاهی ابزاری تأکید می‌کند (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۹۰-۹۵). در این گفتمان، حجاب تنها یک حکم فردی نیست، بلکه سازوکاری برای تنظیم سالم کل جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. قدرت در اینجا، معطوف به مهندسی روابط اجتماعی در مقیاس کلان است.

۵-۳. طهارت در اسلام: تفاوت گفتمانی با یهودیت

اسلام نیز گفتمان طهارت دارد (مانند احکام حیض در قرآن، بقره: ۲۲۲)، اما با تفاوت‌های کلیدی:

در اسلام، زن حائض «نجس العین» (ذاتاً نجس) محسوب نمی‌شود، تنها خون حیض ناپاک است و خود زن، تنها از نماز و روزه و نیز رابطه جنسی در آن ایام منع می‌شود (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸۹). غسل حیض، یک طهارت شرعی-عبادی است، نه یک طهارت آیینی برای رفع نجاست وجودی (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۶۳). این غسل، ساده و بدون نیاز به «میقوه» است (تربتی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲؛ محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

بنابراین، گفتمان طهارت اسلامی، سبک‌تر، فردی‌تر و عبادتی‌تر از گفتمان سنگین، جامعه‌محور و وجودشناختی طهارت یهودی است. گفتمان اصلی حجاب در اسلام، تا حد زیادی مستقل از گفتمان طهارت و معطوف به تنظیم روابط اجتماعی و هویت‌سازی است.

مؤلفه تحلیل	یهودیت	مسیحیت اولیه	اسلام
هسته گفتمان مسلط	طهارت آیینی و انسجام قومی	ریاضت فردی و فرجام گرایی	نظم سازی اجتماعی و هویت امت
بازنمایی بدن	بدن به مثابه «نظام نمادین» مرزها؛ منبع/نماد نجاست و قداست	بدن به مثابه «میدان نبرد روح»؛ مانعی برای تعالی یا معبد روح القدس	بدن به مثابه «حریم عمومی-خصوصی»؛ موهبتی الهی که نیازمند محافظت
مکانیسم قدرت غالب	قدرت آیینی-نمادین: طبقه بندی (طاهر/نجس)، کنترل از طریق قوانین دقیق، غسل های آیینی، مرزبندی فضا	قدرت درونی شده-ان ضباطی: خود-نظارتی، کنترل نیت و نگاه، ریاضت نفس، اولویت روح بر جسم	قدرت تنظیمی اجتماع ی: مهندسی روابط عمومی، ایجاد هویت بصری، تأمین امنیت جمعی، مسئولیت سازی دوگانه
سوز/ه/فرد مطلوب	فردی که مرزهای طهارت را رعایت می کند؛ عضو مطیع و متمایز جامعه قومی	سوز/ه اخلاقی منضبطی که بر امیال خود چیره شده؛ مؤمنی منتظر ملکوت	شهروند-مؤمنی که حریم خود و دیگران را رعایت می کند؛ عضو مسئول و شناسای امت
هویت اصلی کارکرد	تمایز قومی (نژادی-آیینی: یهود/غیریهود (گوئییم))	تمایز اخلاقی-فرقه ای: دنیاگرایز/دنیوی؛ کلیسا/جهان	تمایز ایمانی-اجتماعی: امت/دیگران؛ مؤمن/غیر مؤمن
شیوه توجیه و استدلال	تشریعی-آیینی: «چون خدا چنین فرمان داده تا مقدس باشید» (لاویان)	اخلاقی-ترغیبی: «برای تقرب به خدا و پاکی دل» (متی)؛ مبتنی بر عرف: «به خاطر فرشتگان و عادت ما» (پولس)	ترکیبی عقلانی-اجتماعی و تشریعی: «برای اینکه شناخته شوید تا آزار نبینید» (قرآن)؛ «حجاب حرز است» (روایت)



گفتمان (از منظر خود نقاط قوت درونی)	ایجاد انسجام ساختاری شدید، معنا بخشیدن به کل زندگی، حفظ هویت در پراکندگی و اقلیت	تقویت عاملیت اخلاقی فرد، رهایی از قید شریعت صوری، تمرکز بر نیت و باطن	تصریح اهداف اجتماعی عینی، تأکید بر مسئولیت مشترک، ایجاد امنیت و کرامت در فضای عمومی
ضعف / ریسک نقاط درونی	انعطاف ناپذیری، حاشیه سازی گروهها (زنان نیدا، غریبهها)، تمرکز افراطی بر مرزبندی	دوگانه انگاری مخرب روح/جسم، تحقیر بدن و امیال طبیعی، غفلت از عدالت اجتماعی	ابزار شدن بدن (به ویژه بدن زن) به مثابه نماد صرف هویت

۴-۵. عفت به مثابه فضیلتی فعال، اجتماعی و دو سویه

قرآن کریم، زنان و مردان عفیف را می ستاید (نساء: ۲۵؛ نور: ۳۳). عفت، تنها به معنای پرهیز از زنا نیست، بلکه مجموعه ای از رفتارها، گفتار، نگاه و پوشش است که حرمت فرد و دیگران را حفظ می کند. آیه ﴿وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (و سخن شایسته بگویید - احزاب: ۳۲) خطاب به زنان پیامبر، نشان می دهد عفت حتی در کلام و تعامل اجتماعی نیز معنا دارد. این گفتمان، عفت را به یک فضیلت فعال، برون گرا و اجتماعی تبدیل می کند که در تمام شئون زندگی جاری است. تأکید همزمان بر «غض بصر» برای مردان، این فضیلت را به طور متوازن بر دوش هر دو جنس می گذارد.

۵-۵. جمع بندی گفتمان اسلام

گفتمان مسلط در اسلام، «ساختن یک نظم اجتماعی نوین (امت) مبتنی بر حریم داری، امنیت متقابل، هویت مشترک و کرامت انسانی» است. حجاب، نمادی برای یک پروژه تمدنی و جامعه سازی است که در آن، روابط زن و مرد در فضای عمومی، بر اساس احترام متقابل و رعایت حریم، بازتعریف می شود. مکانیسم قدرت: قدرت در اینجا معطوف به تنظیم روابط اجتماعی در مقیاس کلان، مهندسی اخلاقی فضای عمومی و ایجاد هویت جمعی است. قدرت هم قانون می گذارد (احکام) و هم سوژه هایی می سازد که خود این نظم را درونی کنند. کارکرد هویتی: ایجاد تمایز ایمانی و اجتماعی (امت/دیگران) و ساختن هویت بصری واحد برای جامعه نوپای اسلامی.

نقاط قوت درونی: تصریح به اهداف اجتماعی عینی و عقلانی (امنیت، شناسایی)، تأکید بر مسئولیت دوگانه زن و مرد، و ارائه خوانشی مثبت‌نگر از بدن به مثابه حریم دارای کرامت.

نقاط ضعف یا ریسک‌های درونی: امکان برداشت ابزارشدن بدن زن به مثابه نماد صرف برای نمایش هویت جمعی (احمد، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵).

۶. تحلیل تطبیقی انتقادی و ارائه مدل یکپارچه

۶-۱. مدل تحلیلی تطبیقی: گفتمان، قدرت، هویت

مدل مفهومی زیر، ارتباط نظام‌مند مؤلفه‌های کلیدی تحلیل را در هر سه دین نشان می‌دهد و چارچوب یکپارچه‌ای برای فهم تفاوت‌های بنیادین فراهم می‌آورد.

۶-۲. بحث انتقادی: خاستگاه تفاوت‌ها و پرسش‌های معاصر

تفاوت‌های شگرف این سه گفتمان، تصادفی نیست. آنها ریشه در تفاوت در الهیات، تجربه تاریخی بنیادین و پروژه اجتماعی هر دین دارند:

یهودیت، دین بقای یک قوم خاص در شرایط پراکندگی، اقلیت‌بودن و تهدید مستمر بود. گفتمان طهارت و مرزبندی، سازوکاری برای حفظ انسجام و تمایز در این شرایط دشوار بود.

مسیحیت اولیه، دین یک جماعت فرقه‌ای موعودگرا بود که خود را در آستانه پایان جهان می‌دید و نجات را امری فردی و از طریق ایمان می‌دانست. گفتمان ریاضت فردی و درون‌گرایی، پاسخ به این شرایط بود.

اسلام، دین بنیان‌گذار یک تمدن و نظم جهانی جدید بود که در پی ساختن یک جامعه آرمانی (امت) بر روی زمین بود. گفتمان تنظیم اجتماعی و هویت‌سازی جمعی، در خدمت این پروژه تمدنی بود.

نسبی‌گرایی یا تحلیل؟ توصیف فوق به خودی خود جانب‌دارانه نیست. جانب‌داری آنجا رخ می‌دهد که یک گفتمان را با معیارها و اهداف گفتمان دیگر بسنجیم و محک بزنیم (مثلاً ریاضت مسیحی را با معیارهای اجتماعی‌سازی اسلامی «غیرکارآمد» بخوانیم، یا نظم اسلامی را با معیارهای فردگرایی مسیحی «مستبدانه» بنامیم). تحلیل متوازن و منصفانه، نقاط قوت و ضعف هر گفتمان را در چهارچوب اهداف، شرایط تاریخی و منطق درونی خودش می‌سنجد. هر سه گفتمان، هم دارای قدرت شکل‌دهی، انسجام‌بخشی و معناسازی بوده‌اند و هم دارای پتانسیل محدودسازی، حاشیه‌سازی و انحصارگرایی.

عصر اسلامی

فصل چهارم: شماره صد و سی و پنجم



۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۷-۱. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که مفاهیم «عفت» و «حجاب» در متون مقدس ادیان ابراهیمی، نه به عنوان احکامی مجرد، ایستا و جهان‌شمول، بلکه به عنوان اجزای سازنده گفتمان‌های بزرگتر معناساز و جامعه‌ساز در هر دین قابل فهم هستند. هر دین، با توجه به الهیات بنیادین، اهداف اجتماعی و بافت تاریخی فرهنگی خود، این مفاهیم را در چارچوب خاصی قرار داده و به آنها کارکردی متمایز بخشیده است: طهارت آیینی و انسجام قومی در یهودیت، ریاضت فردی و فرجام‌گرایی در مسیحیت اولیه، و نظم‌سازی اجتماعی و هویت تمدنی در اسلام.

با به‌کارگیری چارچوب نظری ترکیبی (تحلیل گفتمان، نظریه قدرت فوکو، نظریه هویت)، آشکار شد که این احکام صرفاً قوانینی اخلاقی نیستند، بلکه تکنولوژی‌های پیچیده قدرت هستند که بدن را مدیریت می‌کنند، سوژه‌های دینی خاصی می‌سازند و مرزهای هویتی را ترسیم می‌نمایند. گفتمان اسلامی حجاب، با ویژگی‌هایی چون تأکید بر مسئولیت دوگانه، تصریح صریح به اهداف اجتماعی عینی (امنیت و شناسایی)، و تفسیر بدن به مثابه حریم خصوصی دارای کرامت، تمایز آشکاری با دو گفتمان دیگر دارد و آن را به نمادی برای یک پروژه تمدنی تبدیل می‌کند.

اهمیت این تحلیل، در آن است که نشان می‌دهد برجسب‌زنی‌های ساده‌انگارانه (مانند اینکه حجاب در همه ادیان معنای یکسانی دارد، یا صرفاً ابزار سرکوب است) نادرست و تقلیل‌گرایانه است. فهم هر حکم دینی، مستلزم فهم نظام گفتمانی حاکم بر آن دین و بافت تاریخی شکل‌گیری آن است. تنها از این طریق می‌توان به درکی غنی، متوازن و احترام‌آمیز از تنوع تجارب دینی در مواجهه با بدن، جنسیت و جامعه دست یافت.

۷-۲. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. تحلیل گفتمان‌های مدرن و پسادینی: بررسی چگونگی تقابل، تلفیق یا تحول این گفتمان‌های سنتی در مواجهه با گفتمان‌های مسلط مدرن مانند فردگرایی لیبرال، فمینیسم سکولار، حقوق بشر و فرهنگ مصرف‌گرایی در جوامع معاصر خاورمیانه، غرب و دیگر مناطق.

۲. مطالعه میدانی و مردم‌شناختی با رویکرد گفتمانی: تحقیق کیفی درباره اینکه چگونه مؤمنان عادی (زن و مرد) در جهان امروز، این گفتمان‌های متنی را دریافت، تفسیر، مقاومت، تعدیل یا بازتولید می‌کنند. بدن‌های زیسته چگونه با متن مقدس و سنت تفسیری تعامل دارند؟

۳. تطبیق با چارچوب‌های فلسفی و نظری جدید: به کارگیری چارچوب‌هایی مانند پدیدارشناسی بدن (مرلو-پونتی)، نظریه‌های پسااستعماری (اسپیواک، سعید) یا الهیات فمینیستی تطبیقی برای تحلیل عمیق‌تر ابعاد تجربی، سیاسی و جنسیتی این متون. چنین مطالعاتی می‌توانند نشان دهند که چگونه این گفتمان‌ها نه تنها در گذشته، بلکه در روابط قدرت جهانی معاصر نیز بازتولید می‌شوند.

الف) منابع فارسی و عربی

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس، *عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه قدیم و جدید، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۳. آگوستین، سنت، (۱۳۷۷)، *شهر خدا*، (ح. رنجبر، مترجم)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. آگوستین، سنت، (۱۳۸۸)، *اعترافات*، (سعید آذری، مترجم)، تهران، سروش.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (۱۴۰۵ق)، *المغنی*، بیروت، دار الکتب العربی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۸. احمد، لثلا، (۱۳۷۹)، *جنسیت و اسلام*، ریشه‌های تاریخی یک مناظره مدرن، (فاطمه جواهر کلام، مترجم)، تهران، نشر نی.
۹. باقری بیدهندی، ناصر، (۱۳۹۵)، *حجاب و نقش آن در سلامت روان*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. تربتی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، *زن در یهودیت*، قم، انتشارات ادیان.
۱۱. ترتولیان، (۱۳۴۴)، *پوشش زنان، در آثار آباء کلیسا*، تهران، انتشارات مهرآیین.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حبیبی، سعید، (۱۳۹۲)، *تحلیل گفتمان، از نظریه تا عمل*، تهران، نشر نی.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، (۱۴۱۴ق)، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۸. شهیدی، صادق، (۱۳۹۸)، *زنان در متون مقدس*، تهران، نشر علم.
۱۹. قرطبی، محمد بن احدار، (۳۸۴ق)، *الجامع لأحكام القرآن*، قاهره، دار الکتب المصریة.
۲۰. محمدی، مهدی، (۱۳۸۵)، *حجاب در ادیان الهی*، قم، بوستان کتاب.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۳)، *مسئله حجاب*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۳. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ب) منابع لاتین

24. Ahmed, L. (1992). *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate*. Yale University Press.
25. Ahmed, L. & Matar, D. (2020). *The Veil in the Postcolonial Imagination: A Critical Anthology*. Edinburgh University Press.
26. Augustine, S. (1998). *The City of God against the Pagans* (R. W. Dyson, Trans.). Cambridge University Press. (Original work written 413–426 CE).
27. Augustine, S. (1998). *Confessions* (H. Chadwick, Trans.). Oxford University Press. (Original work written 397–400 CE).
28. Bleich, J. D. (2003). *Contemporary Halakhic Problems* (Vol. 4). KTAV Publishing House.
29. Borresen, K. E. (Ed.). (1995). *The Image of God: Gender Models in Judeo-Christian Tradition*. Fortress Press.
30. Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. Routledge.
31. Clement of Alexandria. (1991). *Stromata* (Books 1–3). In A. Roberts & J. Donaldson (Eds.), *The Ante-Nicene Fathers: Vol. II, Fathers of the Second Century*. Wm. B. Eerdmans. (Original work written c. 200 CE).
32. Coakley, S. (2013). *God, Sexuality, and the Self: An Essay 'On the Trinity'*. Cambridge University Press.
33. Douglas, M. (1966). *Purity and Danger: An Analysis of Concepts of Pollution and Taboo*. Routledge & Kegan Paul.
34. El-Or, T. (1992). *Educated and Ignorant: Ultraorthodox Jewish Women and Their World*. Lynne Rienner Publishers.
35. Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Polity Press.
36. Feinstein, M. (n.d.). *Iggerot Moshe* [Epistles of Moshe].
37. Foucault, M. (1978). *The History of Sexuality, Volume 1: An Introduction* (R. Hurley, Trans.). Pantheon Books.
38. Foucault, M. (1995). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison* (A. Sheridan, Trans.). Vintage Books. (Original work published 1975).
39. Hyman, P. E. (1976). The other half: Women in the Jewish tradition. *Conservative Judaism*, 30(1), 9–15.
40. Jantzen, G. M. (2019). *Becoming Divine: Towards a Feminist Philosophy of Religion* (2nd ed.). Manchester University Press.

41. Karo, J. (1563/2003). Shulhan Arukh, Even Ha'ezer (Vol. 3). Jerusalem: Metsudah Publications.
42. Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. Verso.
43. Mahmood, S. (2005). Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject. Princeton University Press.
44. Maimonides, M. (12th century/1985). Mishneh Torah, Hilchot Ishut (Vol. 6). Jerusalem: Feldheim Publishers.
45. McCutcheon, R. T. (Ed.). (2018). Foucault, Religion, and the Critical Study of Religion. Oxford University Press.
46. Neusner, J. (1973). The Idea of Purity in Ancient Judaism. Brill.
47. Pagels, E. (1988). Adam, Eve, and the Serpent. Vintage Books.
48. Plaskow, J. (1991). Standing Again at Sinai: Judaism from a Feminist Perspective. HarperOne.
49. Schüssler Fiorenza, E. (1983). In Memory of Her: A Feminist Theological Reconstruction of Christian Origins. Crossroad.
50. Shulhan Arukh, Even Ha'ezer [Set Table, Section 'The Rock of Help']. (16th century).
51. Stowasser, B. F. (1994). Women in the Qur'an, Traditions, and Interpretation. Oxford University Press.
52. Talmud Bavli, Berakhot [Babylonian Talmud, Tractate Blessings]. (3rd–5th centuries CE).
53. Tertullian. (1959). On the Apparel of Women. In The Ante-Nicene Fathers: Vol. IV. Tertullian (S. Thelwall, Trans., pp. 14–25). Wm. B. Eerdmans. (Original work written c. 198 CE).
54. The Babylonian Talmud. (Soncino Press Edition, 1961).
55. The Holy Bible (New International Version).